

آشکار است که ما سرمایه علمی و تخصصی بزرگی داریم، دانشگاه‌های ما در جهان معتبرند و اسم و رسم دارند. سید حسن نصرالله گفته بود که بیست سال وقت گذاشته است تا شعبه‌ای از دانشگاه تهران یا دانشگاه شریف در بیروت یا بخشی از لبنان ایجاد شود.

می‌شوند. در ایران سازوکار مناسبی برای ارتباط با دانشگاه محل تحصیل وجود ندارد. چه بسا دانشجویان و دانش‌آموختگان در انجمن‌های خودجوش با هم ارتباطاتی داشته باشند اما ساختاری نیست، استثناست. وقتی دانشجو از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود، دیگر ارتباط میان او و دانشگاه پایان می‌یابد. الان بسیاری از دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی در خارج از کشورند. در سفرهای خارجی، وقتی به آن‌ها برمی‌خوریم و می‌پرسیم چرا به ایران نمی‌آیید، بخشی از انتظار آنان این است که بخش دولتی در ایران زمینه‌ای را فراهم کند که آن‌ها انگیزه داشته باشند و بدانند در ایران آینده دارند. آن‌ها آینده‌شان را در ایران با وضعیت و آینده‌شان در کشورهای خارجی مقایسه می‌کنند. بخش دیگر پاسخشان نیز این است که احساس می‌کنند حتی دانشگاهی هم که از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند، بهشان توجهی ندارد؛ بنابراین به گمانم باید به دنبال راهکارهایی بود تا ارتباط قوی و مستمر میان دانش‌آموختگان و دانشگاه‌ها برقرار شود. این بستر به دولت هم کمک می‌کند که بتواند زمینه استفاده از ظرفیت‌ها یا جذب آنان را پس از پایان تحصیلات در همان دانشگاه یا دستگاه‌های دولتی فراهم کند.

در حال حاضر، درصد کمی از دانشجویان ایرانی بورسیه‌اند. عمده آنان به صورت آزاد در خارج از کشور تحصیل می‌کنند. به هر دلیلی تصمیم گرفته‌اند که تحصیلات خود را در خارج از کشور ادامه دهند. متأسفانه به آن‌ها توجه شایسته‌ای نکرده‌ایم و نتوانسته‌ایم کمک زیادی کنیم. یک زمانی به آن‌ها ارز اختصاص می‌یافت که البته با اختلاف کمی از بازار آزاد در اختیارشان قرار می‌گرفت؛ اما برایشان انگیزه و چسبندگی ایجاد می‌کرد. تلاش کرده‌ایم در قانون حمایت از دانشجویان خارج از کشور به این موارد توجه کنیم.

چالش جذب دانشجویان خارجی

برای جذب دانشجو از سایر کشورها پردیس‌هایی در جزیره کیش ایجاد شد. من دوسه سال، دست‌کم برای جذب دانشجو از کشورهای منطقه هم برای دانشگاه تهران و هم دانشگاه شریف تلاش‌هایی کردم. باید

توجه داشت کسی که برای مثال می‌خواهد از امارات به قصد تحصیل به ایران بیاید، جزیره کیش برایش جاذبه زیادی ندارد؛ درحالی‌که جاذبه پایتخت زیاد است.

در حال حاضر کسانی که از همین کشورهای منطقه می‌آیند خانواده‌شان را هم می‌آورند، فقط برای اینکه از کوه‌های شمال ایران عکس بگیرند و در برف‌های کوه‌های ایران قدم بزنند. وقتی آن‌ها را به تحصیل در جزیره کیش تشویق می‌کردیم، می‌پرسیدند مگر کیش چه چیزی بیشتر از دبی دارد که به آنجا بیاییم؟ می‌خواهیم بیاییم چند سال در ایران درس بخوانیم. برایمان اول دانشگاه‌های مادر و برتر ایران و دوم پایتخت و شهرهای بزرگ آن اهمیت دارد تا